

سبک و ساختار مثنوی وامق و عذرای شعیب جوشقانی

شهربانو بابایی، ناهید اکبری*، رضا فرصتی جویباری

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران.

شهریور ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۶، صفحات ۱۱۷-۱۳۹

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵.۶۴۳۹

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: منظومه «وامق و عذرا» اثر خواجه شعیب جوشقانی شاعر، یکی از شاعران و محرران برجسته عصر صفوی، در دوره شاه عباس اول است. شعیب این مثنوی را بمنظور نظیره‌پردازی و با تأثیر گرفتن از وامق و عذرای عنصری و خسرو و شیرین نظامی سروده است و بر این اساس شاعر بیشتر تحت تأثیر سبک خراسانی بوده است تا سبک هندی. نگارندگان این جستار برآنند عناصر و مؤلفه‌های سبکی و ساختاری این منظومه را دربانند و سطوح زبانی، ادبی و فکری و ساختار غنایی آن را بررسی و تحلیل نمایند.

روش مطالعه: این پژوهش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد سبک‌شناسی است. داده‌ها و اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ای بدست آمده است.

یافته‌ها: منظومه «وامق و عذرا»ی جوشقانی در بحر هزج و در قالب مثنوی سروده شده است. شاعر با استفاده از انواع هجای قافیه، تنوع در ساختمان آن، قافیه بدیعی، مختصات آوایی، انواع مختلف جناس، تکرار واج و واژه، تصدیر، ترصیع و موازنه موسیقی شعر را افزایش داده است. ساختار سبکی لغات و اصطلاحات آمیزه‌ای از لغات و اصطلاحات عامیانه، غنایی و حماسی است. که سطح ادبی کلام نیز بر پایه تشبیهات، استعارات، کنایات، تلمیحات و اغراقها استوار است. در سطح فکری شاعر نشانه‌هایی از سبک خراسانی را میتوان دید و فصل‌بندی جوشقانی در این منظومه با ساختار منظومه‌های غنایی قابل تطبیق است.

نتیجه‌گیری: خواجه شعیب جوشقانی از شاعران توانمند و شیرین‌سخن دوره صفوی بوده است که در منظومه غنایی «وامق و عذرا»ی وی ابتکارات زبانی و ترکیبات تازه دیده میشود. وی با استفاده از واژگان و ترکیبات زبان عربی و ترکی و وارد نمودن ترکیبات نو و بدیع و لغات و اصطلاحات عامیانه و دانش‌هایی چون نجوم، طب و موسیقی، بر زیبایی و غنای کلامش افزوده است. کاربرد فراوان آرایه‌های ادبی نظیر جناس، تکرار، تصدیر و ترصیع، تشبیه، استعاره و تلمیح، از ویژگیهای سبکی جوشقانی در مثنوی وامق و عذراست. همچنین ساختار این منظومه با ساختار منظومه‌های غنایی مطابقت دارد.

تاریخ دریافت: ۲۸ خرداد ۱۴۰۰
تاریخ داوری: ۳۰ تیر ۱۴۰۰
تاریخ اصلاح: ۱۳ مرداد ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۳۰ شهریور ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

شعیب جوشقانی، منظومه وامق و عذرا، سبک، سطح زبانی، ساختار.

* نویسنده مسئول:

✉ nahidakbari7@yahoo.com

☎ ۳۴۲۲۵۱۳۴۰ (۱۲ ۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

The style and structure of Masnavi Vameq and Azra of Shoaib Joshaghani

Sh. Babaei, N. Akbari*, R. Forsati Joybari

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۱۸ June ۲۰۲۱
 Reviewed: ۲۱ July ۲۰۲۱
 Revised: ۰۴ August ۲۰۲۱
 Accepted: ۲۱ September ۲۰۲۱

KEYWORDS

Shoaib Joshaghani,
 Vameq and Azra poems,
 style, language level, structure.

*Corresponding Author

✉ nahidakbari7@yahoo.com

☎ (+۹۸ ۱۲) ۳۴۲۵۱۳۴۰

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: The poem "Vameq and Azra" by the poet Khajeh Shoaib Joshaghani is one of the prominent poets and commentators of the Safavid era during the reign of Shah Abbas I. Shoaib composed this Masnavi for the purpose of imitating and being influenced by "Vameq and Azra" of Ansari, Khosrow and Shirin Nezami, and based on this, the poet was more influenced by Khorasani style than Indian style. The authors of this paper intend to understand the stylistic and structural elements of this system and to study and analyze its linguistic, literary and intellectual levels and lyrical structure.

METHODOLOGY: This research is descriptive-analytical with a stylistic approach. Data and information were obtained using the library method.

FINDINGS: The poem "Vameq and Azra" by Joshaghani has been composed in the form of Masnavi. The poet has increased the variety of rhyming syllables, the variety in its structure, the original rhyme, the phonetic coordinates, the different types of puns, the repetition of phonemes, the conjugation, the arrangement and the balance of the music of the poem. The stylistic structure of words and expressions is a mixture of slang, lyrical and epic words and expressions. The literary level of theology is also based on metaphors, metaphors, allusions, allusions and exaggerations. The intellectual level of the poet can be seen in the signs of Khorasani style and Joshaghani's chapter in this poem can be adapted to the structure of lyrical poems.

CONCLUSION: Studies have shown that Khajeh Shoaib Joshaghani was one of the most powerful and eloquent poets of the Safavid period. Turkish and the introduction of new and innovative combinations and words and slang terms and sciences such as astronomy, medicine and music, has added to the beauty and richness of his words. Extensive use of literary arrays such as puns, repetition, conjugation and similitude, simile, metaphor and allusion, are the features of Joshaghani style in Masnavi Wameq and Azra. Also, the structure of this system corresponds to the structure of lyrical systems.

DOI: [1۰.۲۲.۳۴/bahareadab.۲۰۲۲,۱۵,۷۴۳۹](https://doi.org/10.22.34/bahareadab.2022.10.7439)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 ۱۶	 .	 .

مقدمه

عصر صفوی دوره رواج نظیره‌گویی و رونق کلی منظومه‌سرایی و داستان‌پردازی بود. خواجه شعیب یکی از اعیان و متکلفان مهم دیوانی در دربار شاه عباس اول صفوی بشمار می‌آمد. او به پیروی از عنصری، منظومه غنایی کهن «وامق و عذرا» را در بحر هزج مسدس و در قالب مثنوی بنظم درآورد. داستان وامق و عذرای جوشقانی از نظر ساختار از سه بخش مقدمه، تنه داستان و انجام آن تشکیل شده است و مضامین گوناگون اخلاقی و تعلیمی، حماسی و غنایی را دربر می‌گیرد.

سبک‌شناسی شعر نیز یکی از انواع ادبی و از مباحث مهم آن است و میکوشد از طریق مطالعه ساختار متن، تجزیه و تحلیل عناصر آن در سه حیطه فکری، ادبی و زبانی به کیفیت ارتباط بین این حیطه‌ها بپردازد. همچنین با بررسی سبک و ساختار درونی اشعار میتوان به شگردهای شاعرانی مانند شعیب جوشقانی پی برد و دیدگاه سبکی و ساختاری منظومه آنان را بررسی نمود. از اینرو در این مقاله با هدف پی بردن به بارزترین ویژگیهای ادبی و فکری منظومه وامق و عذرای جوشقانی، مهمترین شاخصه‌های زبانی شاعر و آگاهی از چگونگی ساختار غنایی اثر مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

سابقه پژوهش

برای شناخت منظومه‌های عاشقانه و بررسی سبک آنها کتابهای فراوانی وجود دارد که از جمله آنها میتوان به چهار کتاب ارزشمند «داستانهای غنایی» نوشته محمد غلامرضایی، «یکصد منظومه عاشقانه فارسی» تألیف حسن ذوالفقاری و «سبک‌شناسی» اثر محمدتقی بهار و «سبک‌شناسی شعر» از سیروس شمیسا اشاره کرد. در مورد سبک و ساختار منظومه وامق و عذرای خواجه شعیب جوشقانی پژوهشی انجام نگرفته است، ولی مقالات متعددی درباره داستان غنایی وامق و عذرا انجام شده است، از جمله آنها میتوان به موارد زیر اشاره نمود:

- «داستان وامق و عذرا و روایت حسینی شیرازی» نوشته حسن‌لی که نویسنده پس از معرفی این داستان و بازشناسی عناصر مشترک آن در روایات مختلف، تفاوت روایت حسینی شیرازی را با دیگر روایت بررسی نموده است.

- «مثنوی وامق و عذرای اسیری و سبک شعری آن» به قلم فوجه‌زاده و همکاران که نویسندگان پس از معرفی مثنوی وامق و عذرای اسیری، عناصر و مؤلفه‌های سبکی تشکیل‌دهنده این مثنوی را بررسی کرده‌اند.

- «مقایسه هفت روایت وامق و عذرا» که نویسنده آن، ذوالفقاری، وامق و عذرای عنصری و شش نظیره از آن را مقایسه و تفاوتها و شباهتهای روایات را مشخص نموده است.

- «وامق و عذرای نامی اصفهانی» نوشته ذاکر الحسینی که مؤلف در آن منظومه وامق و عذرای میرزا محمدصادق نامی اصفهانی را بررسی و معرفی کرده است.

بحث و بررسی

معرفی خواجه شعیب جوشقانی و منظومه وامق و عذرا

اطلاعات درباره شعیب جوشقانی و نحوه زندگی او بسیار محدود است. او اهل جوشقان از توابع کاشان بود که شاعری و خطاطی میکرد. در زمان شاه عباس اول محرری میکرد. خواجه شعیب از اکابر و اعیان جوشقان بود که در بیست و پنجمین سال جلوس شاه عباس، از متکلفان مهم دیوانی و بسیار شیرین‌کلام و صاحب طبیعت عالی

بود (عالم‌آرای عباسی، ج ۲: ص ۸۳۷) و اشعار رنگین و اندیشه‌پرور بسیار دارد (تذکره مخزن الغرایب، هاشمی سندیلوی: ص ۹۷۱). او در جرگه میرزایان دفتر شاه بود و مدتی به وزارت ارامنه مقرر بود (نشر عشق، عظیم‌آبادی: ص ۲۶۰).

وامق و عذرا از داستانهای کهن غنایی است که نخستین بار عنصری آن را به نظم فارسی درآورده و این منظومه به پیروی از عنصری بارها سروده شده است. در دوره صفوی نیز خواجه شعیب جوشقانی این اثر را در ۳۳۱۵ بیت و در بحر هزج و به پیروی از عنصری سروده است و «مدعی است رسم عنصری را تازه کرده، لیکن جز نام فلاطوس پدر عذرا هیچ شباهتی با اصل روایت عنصری ندارد. فلاطوس پادشاه ایران است و عذرا دختر شاه خلخ» (مقایسه هفت روایت وامق و عذرا، ذوالفقاری: ص ۱۴۴).

سبک‌شناسی منظومه وامق و عذرای جوشقانی

در این بخش سبک منظومه وامق و عذرای جوشقانی از منظر زبانی، ادبی و فکری بررسی میشود.

بررسی سطح زبانی

بررسی آوایی: که همان موسیقی شعر است و نقش مهمی در تأثیرگذاری شعر دارد. به نظر شفيعی کدکنی پیوند عمیقی میان شعر و موسیقی وجود دارد؛ زیرا شعر موسیقی کلمات و الفاظ و غنا، موسیقی آهنگها و الحان است (رک: صورخیال در شعر فارسی، شفيعی کدکنی: ص ۴۴). این سطح آوایی در سه دسته موسیقی بیرونی، کناری و درونی قابل بررسی است.

الف) موسیقی بیرونی: وزن منظومه جوشقانی «فاعیلن مفاعیلن فعولن» است؛ یعنی بحر هزج مسدس محذوف یا مقصور که قالب مثنوی است. این بحر از محور پرکاربرد در منظومه‌های غنایی است؛ زیرا در قالب این وزن بهتر میتوان عواطف و احساسات درونی را بیان کرد.

ب) موسیقی کناری: موسیقی کناری مجموعه عواملی را گویند که در موسیقایی شعر اثرگذار است، اما در سراسر بیت یا مصراع ظهور نمیکنند و بهترین نمونه آن قافیه و ردیف است (ردیف و موسیقی شعر، محسنی: ص ۱۲). قافیه و ردیف در منظومه وامق و عذرای جوشقانی قابل توجه است.

قافیه

هجاهای قافیه: توجه به هجای قافیه سبب میشود که به ارزش موسیقی کناری یک شاعر پی ببریم. هجاهایی که در ساختمان آنها مصوت‌های بلند بکار رفته است، دارای کشش موسیقایی بیشتری هستند؛ اما در هجاهایی مانند CV و CVC، اگر وزن شعر بلند باشد، این هجاها قدرت موسیقایی کمتری خواهند داشت؛ زیرا فاصله زمانی بیشتری بین واژه‌های قافیه ایجاد میشود. حال به انواع هجای قافیه در منظومه جوشقانی میپردازیم.

-صامت + مصوت (CV): مانند عذرا و صحرا (ب ۲۰۳۲)، تکاپو و جو (ب ۱۳۹۹)، آشنا و جدا (ب ۲۰۴۹)، دریا و ثریا (ب ۱۶۵۳)، جو و مینو (ب ۲۰۲۴) / صامت + مصوت کوتاه (CV): تابنده و بنده (ب ۳۲۵۲)، چغانه و زمانه (ب ۳۲۴۳)، خامه و نافه (ب ۲۶۳۸)، سفینه و خزینه (ب ۳۳۴۹) / صامت + مصوت بلند + صامت (CVC): پاک و خاک (ب ۳۱)، داغ و باغ (ب ۳۴)، ادراک و افلاک (ب ۳۱۸)، جام و نام (ب ۳۱۷)، نور و طور (ب ۵۸۷) / صامت + مصوت کوتاه + صامت (CVC): کم و دم (ب ۹۸)، در و سر (ب ۵۸۵)، بینش و آفرینش (ب ۱۴۷)، در و پیگر

(ب ۲۳۱۸)، پُر و دُر (ب ۳۳۴۶)، غِغَب و لَب (ب ۳۲۷۵) / -صامت + مصوت کوتاه + صامت (CVCC): زرد و دَرَد (ب ۲۲۵۸)، دَلتَنگ و جَنگ (ب ۲۲۶۰)، فرَسَنگ و لَنگ (ب ۲۲۸۴) آهَنگ و چَنگ (ب ۱۳۸۲) / -صامت + مصوت بلند + صامت (CVCC): دوست و پوست (ب ۲۲۸)، خاست و آراست (ب ۶۹۸)، برافراشت و داشت (ب ۵۲۲)، بپرداخت و ساخت (ب ۱۶۶۶)، آراست و میخواست (ب ۱۷۴۵).

با توجه به نمونه‌ها میتوان گفت جوشقانی از انواع هجای قافیه در شعرش استفاده نموده است.

-ساختمان قافیه: ساختار قافیه در منظومه وامق و عذرای جوشقانی متنوع است: حرف + اسم: این حرف میتواند، را مفعولی باشد یا حرف اضافه. را دعا و را روا (ب ۲۵۷)، از اشتیاق و از فراق (ب ۲۶۳)؛ اسم + ضمیر: چراغش و باغش (ب ۲۷۶)؛ ضمیر متصل / -اسم + بن مضارع: شکرخند و حنابند (ب ۳۲۴۰) / اسم + بن مضارع + ی: دلنوازی و نیرنگ‌سازی (ب ۱۶۶۰)، کارسازی و مهمان‌نوازی (ب ۲۰۹۷) / صفت: مرده و فسرده (ب ۷۰۴) / صفت + اسم + ی: گرم - چهری و سردمهری (ب ۲۷۶۴)؛ فعل: ستاید و آید (ب ۳۱۷) که هر دو فعلند/ فعل + ضمیر: آراستندش و خواستندش (ب ۳۲۵۰) / -پیشوند + فعل: برآید و برآرد (ب ۳۲۶۸).

ذوقافیتین: در منظومه وامق و عذرای جوشقانی ذوقافیتین از نظر کمیّت اندک است، ولی زیبا و تأثیرگذار:

گر از وصل تو یابد مژدگانی	به مژده جان فشانند رایگانی (ب ۱۷۶۴)
به ظاهر خویشتن را پاس میداشت	تمنا در دلش الماس میکاشت (ب ۱۷۰۳)
نه در ذاتش بود تغییر و تبدیل	نه در حکمش رود تفسیر و تعلیل (ب ۷۱)

قافیه بدیعی: قافیه‌ای را گویند که در آنها یکی از صناعات ادبی بکار رفته باشد. قافیه به‌تنهایی از موسیقی برخوردار است؛ ولی اگر در میان قافیه‌ها صنایع بدیعی هم استفاده شود، موسیقی آن بیشتر خواهد شد. این قافیه بدیعی، اگر با آرایه‌های لفظی پدید آید، سبب غنای موسیقی کناری شعر میشود. توجه شاعر به این قافیه‌ها، نشانه قدرت شاعری و تسلط شاعر بر فنون و صناعات ادبی است. در منظومه وامق و عذرای خواجه شعیب، قافیه‌های بدیعی از نوع جناس و تکرار دیده میشود:

-تجنیس قافیه: قافیه بدیعی از نوع جناس در دیوان منظومه وامق و عذرا فراوان مشاهده شده است و سبب زیبایی قافیه این منظومه و غنی شدن وزن آن شده است. نمونه‌هایی که در ذیل آورده میشود جناسهایی است که جوشقانی در محل قافیه آورده است.

جناس اختلافی: که این اختلاف در اول، وسط یا آخر دو واژه است. مانند: شام و جام (ب ۳۳۳۳)، فرق و غرق (ب ۵۱۳)، چین و کین (ب ۲۵۴۲)، راه و چاه (ب ۲۲۴۴).

جناس زاید (افزایشی): این افزایش گاه در اول، گاه وسط و گاه آخر کلمه است. یاقوت و قوت (ب ۳۳۶۷)، آسیب و سیب (ب ۳۲۹۸)، جناس مرکب: شکر بار و شکر بار (ب ۱۱).

-تسجیع قافیه: تسجیع در بوجود آوردن یا افزودن موسیقی کلام بوسیله هماهنگ کردن کامل یا نسبی کلمات و جملات است (آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا: ص ۴). در بین انواع سجعها، سجع متوازن بدلیل عدم تطابق با هجاهای قافیه، نمیتواند در محل قافیه قرار بگیرد؛ اما سجعهای متوازی و مطرف نقش بارزی در تکمیل موسیقی کناری شعر دارند.

سجع متوازی: گردون و بیرون (ب ۱۸۱۱)، شاه و ماه (ب ۲۰۲۱)، سرشته و فرشته (ب ۹۲)، دست و شست (ب ۲۳۵۳)، زاری و بازی (ب ۳۳)، اشک و رشک (ب ۲۶۸۷).

سجع مطرف: گلزار و بار (ب ۲۶۹۰)، ارغوانی و مانی (ب ۱۰۲۵)، زنگ و شرنگ (ب ۹۴).

ردیف: انواع ردیف در منظومه وامق و عذرای جوشقانی بصورت زیر است:

-ردیفهای فعلی: ردیفهای فعلی، ردیفهایی هستند که در قالب فعل یا یک عبارت فعلی در شعر می‌آیند و موسیقی زیادی را در شعر ایجاد میکنند. در این منظومه ردیفهای فعلی بسیاری دیده شده است که بیشتر در قالب فعل آمده‌اند، بعنوان مثال ردیفهای فعل مضارع: میزد (ب ۲۱۰۷)، آرد (ب ۳۷۵)، ب ۴۰۱)، سازد (ب ۳۴۱)، است (ب ۷۷)، نیست (ب ۵۹) // فعل ماضی: برداشت (ب ۲۱۰۹)، شد (ب ۲۳۳)، داشت (ب ۳۳۳۰)، کردی / فعل مستقبل: خواهد آمد (ب ۴۴۹) // فعل امر: گردان (ب ۱۶)، گن (ب ۶۷)، ده (ب ۲۷۵)، باش (ب ۴۵۲) // فعل نفی: نیست (ب ۵۹)، ندادش (ب ۶۱)، نبود (ب ۳۲۰) و فعل دعایی: باد (ب ۴۰۸، ۱۳۰۰، ۳۳۳۹).

ردیفهای غیرفعلی: ردیفهای فعلی انواعی دارند و به سه دسته ضمیر و اسم و حرف تقسیم میشود. این ردیفها به زیبایی ردیفهای فعلی و اسمی نیستند و «ردیفهایی ایستا هستند» (ردیف و موسیقی شعر، محسنی: ص ۱۳۹). ردیفهای غیرفعلی در منظومه وامق و عذرای جوشقانی بصورت زیر است:

ضمیر: ضمیر منفصل ما (ب ۱۱۰)، ضمیر منفصل تو (ب ۹۰۸)، ضمیر متصل ت در نامت و دامت (ب ۲۷۱۵)، ضمیر متصل ش در جنونش و رهنمونش (ب ۱۰۹۸)، ضمیر متصل م در غلامم و نامم (ب ۵۲۴)، ضمیر منفصل او (ب ۳۴۱). اسم: محبت (ب ۳۷)، تعلق (ب ۲۴۱)، مطرب (ب ۳۳۳۵)، کنعان (ب ۹۷۲)، عمر (ب ۵۳۹)، هفته (ب ۷۷۸)، خاک (ب ۲۲۷۲).

حرف: پرکاربردترین نوع ردیف حرفی، حرف «را» است که تعداد کاربرد آن در منظومه وامق و عذرا قابل توجه است.

خطیب کلک مشکین طیلسان را بگو تا برکشد تیغ زبان را (ب ۶۱۷)

نمونه‌های دیگر این ردیف را در ابیات ۴۲۶، ۶۱۷، ۶۴۱، ۹۰۶، ۱۰۰۱، ۱۱۱۶، ۱۷۰۲، ۲۱۹۴، ۲۲۵۸، ۳۳۵۱ و ... میتوان مشاهده نمود.

ردیفهای گروهی: ردیفهای گروهی، ردیفهای طولانی هستند که گاهی ساختار آنها از چند کلمه میگردد. این نوع ردیفها گاه دوکلمه‌ای و گاه سه کلمه‌ای هستند که از میان این دو نوع، ردیف دوکلمه‌ای، کاربرد بیشتری داشته است:

الف) ردیفهای دوکلمه‌ای: اسم + ضمیر: چشمم (ب ۵۸۶) // ضمیر + فعل: او نیست (ب ۵۹)، اوست (ب ۷۷)، او باد (ب ۴۰۸)، تو باشد (ب ۵۷۰) // حرف + فعل: که دارد (ب ۳۳۳۷).

ب) ردیفهای سه کلمه‌ای: از که پرسم (ب ۹۲۵)، از من نیاید (ب ۱۲۹۳).

ج) موسیقی درونی: که بوسیله صنایع لفظی بوجود می‌آید و عامل مهمی در ایجاد موسیقی درونی منظومه وامق و عذرای جوشقانی است. از صنایع لفظی موجود در این منظومه میتوان از انواع تکرار، انواع سجع، انواع جناس، موازنه و ترصیع نام برد.

تکرار عاملی است که در آهنگ و موسیقی شعر دخالت دارد و بر موسیقی کلام می‌افزاید. تکرار به دو صورت واج‌آرایی و تکرار واژه در این منظومه بکار رفته است. بعنوان مثال در بیت زیر واج‌آرایی صامت «د» دیده می‌شود.

کرامت کن درون دردپرورد دلی در وی درون درد و برون درد (ب۳۶)
 مسخر بادت از مه تا به ماهی به کامت باد هر کامی که خواهی (ب۱۱۸۴)

در بیت بالا مصوّت بلند «آ» و در بیت زیر مصوّت بلند «ای» تکرار شده است.

گریزان از دم شمشیر او شیر گرفته چین و ماچین را به شمشیر (ب۲۵۲۶)

نوع دیگر تکرار، تکرار واژه است که نمونه آن را در بیت زیر میتوان دید که در آن واژه‌های «معانی»، «حرف» و «در» تکرار شده است.

معانی در معانی، حرف در حرف نگشته هیچ گوش آن حرف را ظرف (ب۲۴۶)

تکرار واژه یا بصورت تکرار اسم است یا تکرار حرف است یا تکرار فعل. تکرار اسم و حرف در نمونه بالا بکار رفته است و در نمونه زیر تکرار «نبودی»، تکرار از نوع فعل است:

نبودی گر تو، هستی هم نبودی نشان از عالم و آدم نبودی (ب۳۲۰)

تکرار در این منظومه گاه بصورت تصدیر نمود یافته است. تصدیر دو صنعت رد العجز علی الصدر و رد الصدر علی العجز را دربر میگیرد. ردّ الصّدْر علی العجز که جلال‌الدین کزازی آن را «سَرَبُنِی» نامیده (زیبایی‌شناسی سخن پارسی، کزازی: ص ۶۹)، از انواع تصدیر است که نمونه‌های آن را در کلمات «صبوری» و «ستون» در ابیات زیر میتوان دید:

صبوری بایدت کردن ضروری اگرچه ناید از عاشق صبوری (ب۱۶۰۳)
 ستون در کار بود آن بیستون را به سیمین بیستون برزد ستون را (ب۳۲۰۶)
 به لطف چون فراوان دارم امید امیدم آن که نگذاریم امید (ب۱۴۳)

در بیت اخیر کلمه «امید» در جایگاه عروض، ابتدا و عجز قرار تکرار شده است.

در دو کتاب «ترجمان البلاغه» و «حدایق السحر» که از کتب کهن بلاغی و به زبان فارسی هستند، از شش گونه صنعت رد العجز علی الصدر سخن گفته شده است (ر.ک: ترجمان البلاغه: ج ۱ / ص ۲۷-۳۰؛ حدایق السحر فی دقایق الشعر: ج ۱ / ص ۱۸-۲۲).

جناس و انواع آن در منظومه وامق و عذرای جوشقانی فراوان بکار رفته است. مانند: جناس تام، زائد، مضارع و لاحق، شبه اشتقاق، مرفوع، ناقص، مقلوب، مطرف و مرکب.

جناس تام: در بیت زیر، «چین» دو بار بکار رفته است که اولی به معنی کشور و دیگری به معنی چروک است:

گرش نازش به ماچین و به چین است چه شد صد چین مر در آستین است (ب۲۵۴۴)

جناس اختلافی: که هر سه نوع آن در این منظومه دیده شده است. اختلاف در آغاز: راه و چاه (ب۲۲۴۵)، دود و عود (ب۲۷۵۰)، بام و شام و جام (ب۳۳۳۳)، داغ و باغ (ب۳۲۷۱)، / اختلاف در وسط: های و هوی (ب۳۱۸۰) / اختلاف در پایان: جان و جای (ب۲۷۹۴)، فلاطون و فلاطوس (ب۷۷۴)، روس و روم (ب۲۸۰۸).

جناس افزایشی: این نوع جناس هم به سه صورت دیده شده است: افزایش در آغاز: باقوت و قوت (ب۳۳۶۷)/ افزایش در وسط: راه و ره (ب۲۲۴۴)، یار و یاور (ب۲۵۲۲)/ افزایش در پایان: دُر و دُرچ (ب۲۵۳۳)، خط و خطا (ب۲۵۴۲)، جا و جان (ب۱۸۱۶).

جناس لفظی: خاست و خواست (ب۱۸۱۶)/ جناس خطی: غرق و عرق (ب۱۱۵)/ جناس محرف: دُردی و دَرْدی (ب۳۳۶۴)، گُل و گِل (ب۳۳۹۱)/ جناس اشتقاق و شبه اشتقاق: بین صانع و مصنوع در «که بی صانع نباشد هیچ مصنوع» (ب۸۴) و قیامت و قامت در مصرع «قیامت را از آن قامت خجل ساخت» (ب۱۴۷۴) جناس اشتقاق، و بین دادگر و دادار در «ز حیّ دادگر دادار داور» جناس شبه‌اشتقاق دیده میشود. شبه‌اشتقاق یعنی دو واژه از یک خانواده بنظر می‌آیند، درحالیکه واقع چنین نیست.

ترصیع و موازنه از دیگر آرایه‌های لفظی بکاررفته در این منظومه است. ترصیع و موازنه از نوع سجعی که بین واژگان قرینه در دو مصراع یک بیت وجود دارد پدید می‌آید. اگر سجع بین همه واژه‌های دو مصراع متوازی باشد آرایه ترصیع و اگر ترکیبی از سجعهای مختلف باشد آرایه موازنه بوجود می‌آید. در دو بیت نخست از ابیات زیر ترصیع و در دو بیت آخر موازنه دیده میشود:

نباشد هیچ کاری بهتر از عشق	نباشد هیچ باری بهتر از عشق (ب۷۲۳)
به چشم هرچه می‌آید امید است	به گوشم هرچه می‌آید نوید است (ب۲۱۵۰)
به ماهی همچو سالی قد کشیدی	به سالی چون نهالی قد کشیدی (ب۷۷۹)
شنیدم گوهری در دُرچ داری	فروزان اختری در برج داری (ب۱۹۵)

مختصات آوایی

-الف اشباع: الف اشباع یا اطلاق در اشعار دوره سامانی فراوان دیده میشود و با گذشت زمان کاربرد آن رو به کاستی میگردد. در شعر جوشقانی که از شاعران دوره صفوی است، بسامد کاربرد الف اطلاق بسیار کم است. «نزد دم گویا گوشش نشد سیر» (ب۲۰۵۵)، گفتا در «ملک گفتا بر آ بر مرکب خویش» (ب۲۰۰۸). در این منظومه جوشقانی اغلب الف اطلاق را در فعل «گفت» و بصورت «گفتا» بکار برده است.

-تخفیف: ار نه به جای اگر نه در «ز مهر لطفش ار نه نور گیرد» (ب۵۱)، گهی به جای گاهی در «گهی گفتمی که بر من دیو زد راه» (ب۱۹۵۸)، همچنین شه (ب۱۱۳۹)، آگهی و کوتهی (ب۱۱۹۷)، بارگه (ب۱۱۸۲) و ...
-تسکین: ساکن کردن حرف متحرک که در شعر به ضرورت وزن واقع میشود، از ویژگیهای سبک خراسانی است که بندرت در شعر دوره‌های بعد نیز راه یافته است: «هر آنچ او کردی، این برهم زدی زود» (ب۸۷) و «هر آنچ او کرد گر مویی شود کم» (ب۹۹)، «وگر نه دل چنانش از جای برخاست» (ب۲۰۵۸).

بررسی لغوی

-کاربرد واژه‌های عامیانه: در منظومه وامق و عذرای جوشقانی با لغات و اصطلاحات عامیانه برخورد میکنیم. البته عامیانه شدن زبان یکی از ویژگیهای شعر دوره صفوی است؛ زیرا ادبیات منظوم این دوره «از انحصار اهل مدرسه خارج شد و در دست بازاریان افتاد — خیاط، کفشگر، خرده‌فروش، خیّاز، آشپز و سرباز — و مملو شد از الفاظ و تعبیرات بازاری» (شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب، زرین‌کوب: ص ۵۷). «کاسه لیبی» و «حوالت کردن» در نمونه‌های زیر:

ز بس همت کند نه از خسیسی چو افلاطون ارسطو کاسه لیسلی (ب ۳۰۸)
چو میسوزد مرا داغ خجالت مکن بر آتشم دیگر حوالت (ب ۱۱۲)

و ضرب‌المثلهایی چون: چشم روشن گشتن در «ز رویش گشته روشن چشم امید» (ب ۵۸۸)، «که گردد از تحمل غوره حلوا» (ب ۳۱۹۳)، «که آمد باز آب رفته در جو» (ب ۲۱۹۰)، «نشاید خورد خرمایی که خامست» (ب ۲۲۲۶)، «درخت بارور باشد خمیده» (ب ۵۶۱)، «که رنگی نیست بالای سیاهی»، «چرا بر خشک و تر باران نبارد» (ب ۶۰۶) و ... نشان‌دهنده عامیانه بودن زبان جوشقانی در منظومه وامق و عذراست.

دایره لغوی جوشقانی بالاست. او از لغات و اصطلاحات عربی، ترکی و نیز از لغات و اصطلاحات دانشهای گوناگون همچون نجوم، طب و موسیقی در شعرش بهره میگیرد.

- کاربرد واژه‌های عربی: آگاهی جوشقانی از لغات عربی بسیار بوده است؛ از اینرو با لغات و اصطلاحات عربی فراوان برخورد میکنیم: لولاک (ب ۱۸۴)، لایزالی (ب ۱۸۵)، قصور، بین السطور (ب ۳۳۵۸)، حناق الکلب (ب ۱۷۵)، دارالملک (ب ۹۷۸)، استغنا (ب ۲۰۵۷)، تعالی الله (ب ۳۲۴۲)، مطبوع، صانع و مصنوع (ب ۸۴)، جزع (ب ۲۳۴۹)، بیضه و حواصل (ب ۲۷۴۲).

- کاربرد واژه‌های ترکی: در این منظومه کم و بیش با کلمات ترکی نیز برخورد میکنیم که قزل (ب ۵۱۹)، ۵۳۲، طغرا و طغرل (ب ۵۲۳)، قراسنقر و قزل‌شه (ب ۵۲۵) نمونه‌های آن هستند.

- کاربرد لغات و اصطلاحات دانش نجوم: زحل و مشتری (ب ۱۷۳)، قران، ماه، نیک‌اختری (ب ۲۱۹۴)، خورشید، برجیس و ناهید (ب ۳۲۲۶)، ماه و مهر (ب ۲۲۵۶)، زهره (ب ۲۱۹۵).

- کاربرد لغات و اصطلاحات موسیقی: چنگ، ساز کردن، آواز (ب ۲۱۹۵)، بربط و نواساز (ب ۲۱۰۶)، نوا، ره عشاق (ب ۲۱۰۷)، مطرب و بربط (ب ۲۱۰۸)، در چنگ نواختن (ب ۲۱۸۶)، ارغنون، نوایرداز و خوش‌آهنگ (ب ۱۲۲۶)، صدای ارغنون، ناله چنگ، نوا، نغمه (ب ۱۴۳۰)، ترنم‌ساز، ساز، مطرب، آواز مطرب (ب ۳۳۳۵)، شهنواز (ب ۲۱۰۵)، بربط و چنگ و چغانه (ب ۳۲۴۳).

- کاربرد لغات و اصطلاحات دانش طب: نشتر و بستر (ب ۱۷۱۲)، فلاطون و فلاطوس (ب ۷۷۴)، داغ نهادن (ب ۳۴)، مشک و عنبر (ب ۲۰۵۱)، زخم و مرهم (ب ۳۵)، مجمر و دود مجمر (ب ۱۵۵۱).

- لغات کهن (آرکائیک): دیجور (ب ۴۶)، نژند (ب ۹۰۵)، نشتر (ب ۱۷۱۲)، پاسی (ب ۱۷۳۲)، دیهیم (ب ۲۰۱۱)، قصب‌پوش (ب ۲۰۷۶).

- گروههای اسمی به صورت موصوف و صفت و مضاف و مضاف الیه: در منظومه وامق و عذرای جوشقانی این نوع گروهها فراوان دیده میشود. این گروهها گاه موصوف و صفتند: اسرار الهی (ب ۱۴۸)، مرکب خاص (ب ۲۴۱۲)، جمع انبوه (ب ۲۴۱۴)، و گاهی هم اضافی است: جمع اصحاب (ب ۲۷۴)، شب جهل (ب ۳۰۴)، دلیل ذات (ب ۷۰۴)، ماه کنعان (ب ۹۷۲)، کوره سیماب (ب ۳۴۱)، نعره تکبیر (ب ۲۴۵۷)، رسم جهانگیری و تدبیر (ب ۲۵۲۰) که البته گروههای اضافی بسیار بیشتر از گروههای وصفی دیده شده است. گاهی نیز با تتابع اضافات مواجه میشویم. همچون: زببندۀ اورنگ شاهی (ب ۲۵۳۲)، محمل‌نشین ماه کنعان (ب ۹۷۲)، روان شاه‌اسمعیل ماضی (ب ۳۴۰)، نیرنگ چرخ آبنوسی (ب ۲۴۶۷)، نوایرداز خوبان خوش‌آهنگ (ب ۱۲۲۶).

گاه این گروهها متناسب با فضای غنایی است: سنبل تر (ب ۱۵۵۱)، سرو آزاد (ب ۲۵۲۹)، آواز مطرب (ب ۳۳۳۵)، مژده وصل (ب ۱۳۱۷)، شراب ارغوانی (ب ۲۱۹۸)، افسر زر (ب ۳۰۳۸)، ارغنون آشتی (ب ۱۸۳۷)،

یاقوت می (ب ۲۱۹۹)، ماه‌پیکر (ب ۲۳۱۸)، بانگ ارغنون و نغمه چنگ (ب ۱۲۲۶)، سخنهای دلاویز (ب ۱۲۱۲)، قصبهای زرافشان (ب ۳۲۶۴). و گاه با فضای حماسی منظومه تناسب دارد: بیم شمشیر، جوشن‌وران آهنین‌تن، کوه آهن، دم شمشیر (ب ۲۵۲۶)، عزم رزم (ب ۲۵۶۰)، نعره کوس (ب ۲۵۸۴)، شمشیر خونریز (ب ۲۶۰۷).

-آفرینش ترکیبات نو: جوشقانی گاه ترکیبات جدیدی می‌آفریند که خاص خودش است. مانند: «نارِ تعلق» (ب ۲۴۱)، «بیاض فرق» (ب ۸۲۸)، «گلزارِ جان» (ب ۶)، «باغ فاستقم» (ب ۱۵۸)، «بُراق شوق» (ب ۲۰۶)، «غبارِ شرک» (ب ۲۹۴)، دیگِ زمین (ب ۲۲۷۳)، زهرِ انتظار (ب ۱۷۵۳)، «حسرت‌نصیبان» (ب ۹۱۵)، «تختۀ تسلیم» (ب ۵۳۶).

گاهی نیز با استفاده از پسوند (سان، بسان و ناک، گانه، آگین) ترکیباتی خلق میکند که به نمونه‌هایی اشاره میشود:

«عشقم لاله‌سان نه بر جگر داغ» (ب ۳۴)، «شدی سیمابسان البرز لرزان» (ب ۱۸۵۲)، «چو از وی دید چندان قهرناکی» (ب ۲۵۵۵)، «که هنگام جزا با جرمناکی» (ب ۳۱۳)، «نسیم صبحدم مشاطه‌گانه»، (ب ۱۸۶۶) «چو برج آسمانی گوهر آگین» (ب ۱۰۱۸).

بررسی نحوی

-وجه امری: این وجه در منظومه وامق و عذرای جوشقانی در اغلب موارد بدون پیشوند فعلی آمده است. مانند: آور (ب ۱۲۶)، نه (ب ۳۴)،

پیشوند «م» در اول افعال نهی و نفی: مسوزانم (ب ۲۶۸۷)، مدار (ب ۲۶۸۷)

تقدیم فعل:

مدار از غیرتم رخساره پراشک	مسوزانم چنین در آتش رشک (ب ۲۶۸۷)
فتادش خارخاری در دل از وی	گرفت آتش درو از گرمی می (ب ۱۹۶۶)

-حذف فعل: مثلاً در مصراع «همین بس کز تو پر امیدوارم» (ب ۱۲۷)، در واقع بس است بوده که فعل است حذف شده و یا در مصرع «زیاد و کم چه، کانجا دم نگنجد» (ب ۹۸)، چه باشد بوده که فعل باشد حذف گردیده است.

-حذف می از فعل: نگنجد بجای نمیگنجد (ب ۹۸)،

-پیشوند نفی: ناشکیبا (ب ۹۴۲)، ناآزموده (ب ۵۴۴).

-درباره زمان افعال باید گفت که انواع زمانهای مضارع، ماضی و مستقبل و حتی امر و نهی در این منظومه بکار رفته است.

-ساخت کهن فعل دعایی: باد (ب ۴۴۲)، ب ۳۳۳۹، ب ۱۲۹۹، ب ۱۳۰۰، بادا (ب ۲۷۷۳) و مبادا (ب ۱۳۰۶).

-نوآوری در فعل: نمیشایست (ب ۱۰۰)، میرآد (ب ۲۵۱۷).

-افعال آرکائیک: یارد (ب ۱۷۷۴)، نمیشایست و میبایست (ب ۱۰۰)، گراید (ب ۱۲۲۱)، ناورد (ب ۱۸۸)، میخلد (ب ۱۷۱۲)، بادا (ب ۲۷۷۳) و مبادا (ب ۱۳۰۶)، نگسلد (ب ۳۱۷۰).

-حرف ندا و منادا: حرف ندا در منظومه وامق و عذرا به دو صورت مشاهده شده است: (۱) ای در اول منادا: «صنم میگفت: ای گردنده گردون» (ب ۱۸۱۱)، «که ای عشاق را پیک سبک‌خیز» (ب ۱۸۸۴)، «همین خواهیم ز تو ای نور

دیده» (ب۱۷۷۴) که این مورد بسیار دیده شده است. ۲) الف در آخر منادا: «سپهرا چند ازین آشفته‌رایی» (ب۲۴۷۲)،
 - کاربرد فراوان همانا (ب۲۰۲۰، ب۲۰۵۱)، خوشا (ب۹۷۱، ب۳۱۶۸)، چرا (ب۹۴، ب۲۳۵۲، ب۲۳۵۳)، بلی (ب۱۶۱۳، ب۱۷۶۹)، یکی (ب۸۹، ب۹۰، ب۹۱)، زهی (ب۲۶۲، ب۳۱۵۱)، تو گفتی و تو گویی (ب۱۷۷، ب۱۰۲۵)، ب۱۰۲۷، ب۲۰۴۶، ب۲۰۶۱) در اول بیت یا مصراع.
 - کاربرد فراوان رای فک اضافه: «که نازکتر بود معشوق را دل» (ب۱۳۱۴)، «نخستین پندم این ای دیده را نور» (ب۴۵۱)، «که شد آن گنج را جا بر سر مار» (ب۹۴۵).
 کاربرد حرف «را» به معنی «برای»: «چرا باید تو را غمناک بنشست» (ب۹۱۳)، «قیام‌آموز شد سرو سهی را» (ب۲۰۶۲): یعنی برای سرو سهی قیام کرد.

بررسی سطح ادبی منظومه

در این قسمت برجسته‌ترین صنایع ادبی مثنوی وامق و عذرای جوشقانی بررسی میشود.
 تشبیه: تشبیه یکی از صنایع مهم و پرسامد در سروده‌های جوشقانی است. او از انواع تشبیه (مرسل، مجمل، مؤکد، بلیغ، مضمّر، تفصیلی، مرکب، تفضیلی) استفاده کرده است. جوشقانی در میان انواع تشبیه به تشبیه بلیغ تمایل بیشتری نشان داده است. وی از ادات تشبیه فراوان استفاده کرده و اداتی را که بکار گرفته عبارتند از: چون (ب۱۶۴۴، ب۲۲۵۸)، سان (=بسان) (ب۳۴)، گویی (ب۱۴۶، ب۸۲۸)، همچو (ب۳۲۲۹)، آسا (ب۲۲۷۲). در بسیاری از تشبیهات وی وجه شبه ذکر شده یا میتوان آن را بسادگی دریافت که به نمونه‌هایی اشاره میشود:
 «ز دوری چون دهان یار دلتنگ» (ب۲۲۶۰)، «که این چون زلف سر بر دوش او داشت» (ب۳۳۳۰)، «بر عشقم لاله‌سان نه بر جگر داغ» (ب۳۴)؛ بنابراین میتوان گفت تشبیهات او اغلب ساده‌اند و پیچیدگی ندارند.
 تشبیهات او اغلب متناسب با فضای غنایی منظومه است، زمانی که در وصف عذرا سخن میگوید تشبیهات زیبایی بکار میگیرد که کمتر دیده شده است. بعنوان مثال فرق سر عذرا را به بیاض و راه کهکشان تشبیه میکند:
 بیاض فرق کز مویش عیان بود شب تاریک و راه کهکشان بود (ب۸۲۸)

دُر، ترنج، گل، دُرُج، روز، شب، ماه، سرو آزاد، کاخ، شراب، ستاره، لعل، خورشید و.. مشبه‌به‌هایی است که جوشقانی در بخشهای غنایی این منظومه بکار برده است و زمانی که به بخشهای حماسی و جنگ و نبرد در داستان میرسیم تشبیهات وی رنگ‌وبوی حماسی میگیرد:

سپاهی شد روان از کوه تا کوه چو کوه آهن‌تن و چون ریگ انبوه (ب۲۹۶۹)
 زره‌پوشان روانه فوج در فوج چو دریای محیط از باد در موج (ب۲۹۷۰)

قابل ذکر است که چون در این منظومه توصیفات غنایی بر دیگر توصیفات غلبه دارد، اغلب تشبیهات جوشقانی نیز متناسب با این فضا است.

مشبه و مشبه‌به در منظومه وامق و عذرا در اغلب موارد حسی به حسی است و در موارد اندکی با تشبیهات عقلی مواجه میشویم مانند: «که جان آماجگاه تیر عشقست» (ب۷۱۳) یا «ز سهمش مرغ جان پرواز کرده» (ب۳۰۰۳). کاربرد بسیار اندک «تشبیه با طرفین معقول، حاکی از عدم تمایل شاعر به فضای ذهنی و تجریدی و میل به

سادگی و نمایان ساختن وضوح مطالب در این منظومه است» (مثنوی وامق و عذرای اسیری و سبک شعری آن، قوجه‌زاده و همکاران: ص ۲۳۷).

یکی از نکات مهم در این منظومه استفاده فراوان جوشقانی از تشبیه بلیغ است که نشان‌دهنده توانایی شاعر و تمایل او به هنرنمایی می‌باشد؛ زیرا تشبیه بلیغ هنریت‌ترین نوع تشبیهات است. این نوع تشبیهات از انواع متداول در ادبیات بویژه ادب غنایی است: «دُرُج دهان» و «دُرهای دندان» (ب ۸۴۲)، «شَبِ غم» و «روز شادی» (ب ۲۹۲۸)، «تیغِ زبان» (ب ۱۰۷)، «گلِ رخسار» (ب ۹۱۹). «کاخ کیوان» (ب ۴۳۵)، «شراب عاشقی» (ب ۲۸)، «چشم بینش» (ب ۱۴۷). البته گاه تشبیهاتی دارد که خاص خودش است مانند «نارِ تعلق» (ب ۲۴۱)، «بیاض فرق» (ب ۸۲۸)، «گلزارِ جان» (ب ۶)، «باغِ فاستقم» (ب ۱۵۸)، «بُرَاق شوق» (ب ۲۰۶). تشبیه رخ به قِبَلَةُ آتش پرستان و دهان به آرزوی تنگدستان (ب ۳۲۹۲) و تشبیه زمین به دیگ و چرخ به سرپوش آن (ب ۲۲۷۳).

استعاره: جوشقانی در منظومه وامق و عذرا به استعاره مصرحه و مکنیه توجه بیشتری نشان داده است:

نسیمی صبحدم آمد به گلـــــــزار	که خواب‌آلودگان را کرد بیدار (ب ۲۱۸۸)
سحابی سایه‌افکن شد برین باغ	که فیضش لاله را شست از جگر داغ (ب ۲۱۸۹)

در این بیت نسیم و سحاب استعاره مصرحه از وامق است و در بیت زیر نرگس استعاره مصرحه از چشم، در استعاره مصرحه از دندان و عتاب استعاره مصرحه از لب است.

گهی گلزار نرگس آب دادی	گه از دُر مالش عناب دادی (ب ۲۳۵۱)
زند از گریه بر برگ گلش آب	درآرد نرگس مخمورش از خواب (ب ۱۸۸۴)

در این بیت برگ گل استعاره از چهره زیبای عذرا و نرگس مخمور استعاره از چشمان وی است. سرو در «که اینک آمد آن سرو خرامان» (ب ۱۷۹۶) استعاره از وامق است و شمشاد در «یکی شمشاد رسته بر لب جو» (ب ۲۰۲۴) استعاره است از موهای پشت لب وی.

لازم به ذکر است که بیشتر استعارات این منظومه مربوط به وامق و عذراست. استعاره در بخش حماسی این منظومه نیز دیده می‌شود که البته تعداد آن اندک است و متناسب با فضای حماسه و نبرد. بعنوان مثال شیرافکنان آهنین‌چنگ در بیت زیر استعاره از جنگاوران است.

ازین شیرافکنان آهنین‌چنگ	گریزان ازدها فرسنگ‌فرسنگ (ب ۲۹۷۹)
--------------------------	-----------------------------------

«هژرانند گویی کوه‌پیکر» (ب ۲۹۸۳) هژبران استعاره از سپاهیان وامق و فیروزه‌گون خُم در «خروش افکند در فیروزه‌گون خُم» (ب ۲۹۹۵) استعاره از آسمان است. «شده آویزه گوش زمانه» (ب ۳۲۴۳)، شاعر زمانه را به انسانی مانند کرده که گوش دارد و باید مطلبی را آویزه گوش خود کند. و در مصرعی دیگر محبت را به انسانی تشبیه کرده که مشغول کارسازی است: «محبت گشت گرم کارسازی» (ب ۲۰۹۷). در شعر جوشقانی با این هنرنماییها فراوان برخورد می‌کنیم: «سیه‌پوشست کعبه از فراقت» (ب ۲۶۸)، «دهل افغان کنان میگفت افسوس» (ب ۲۵۸۴).
کنایه: در منظومه وامق و عذرای جوشقانی کاربرد کنایه قابل توجه است.

نعل در آتش افکندن کنایه از بیقراری و اضطراب: «که نعل از مهر او دارد در آتش» (ب ۷۶) و «که گفتمی بود نعل او در آتش» (ب ۱۳۳۶) / جان به لب رسیدن کنایه از بیتاب شدن: «رسیده جان به لب از اشتیاق» (ب ۲۶۳)، کلاه

کج بر سر نهادن کنایه از غرور و فخر فروشی: «نهاده کج کله بر گوشه سر» (ب۵۸۵) طاق شدن کنایه از دور افتادن و جدا شدن: «شدم اول ز جفت آرزو طاق» (ب۲۰۸۳) / سیه پوشی کنایه از سوگواری و عزاداری: «سیه پوشست کعبه از فراقت» (ب۲۶۸) / لب به دندان گزیدن کنایه از متعجب شدن: «به دندان لب گزید از غیرت گفت» (ب۲۵۵۷).

تلمیح: تلمیح از آرایه‌های پر کاربرد در مثنوی وامق و عذرای جوشقانی است. وی از انواع تلمیحات در زیبا و هنری نمودن اشعارش بهره گرفته است و با این کار ضمن اینکه اشعار خود را حسی و تصویری نموده، بر زیبایی سخنش افزوده و بر مخاطب نیز تأثیر مطلوبی گذاشته است. بعنوان نمونه تلمیحات قرآنی همچون تلمیح به آیه نخست سوره قلم و آیه ۱۳ سوره فتح در ابیات زیر:

به کلک صنع از آن بینی و ابرو نموده سوره ن وَالْقَلَمِ رو (ب۸۳۲)
ظفر بر رایت بخت شه نشاه نوشته آیت نصر من الله (ب۳۰۳۱)

تلمیحات دینی که تعداد آنها بسیار است. اشاره به داستان پیامبران. همچون داستان حضرت محمد (ص):
محمد پادشاه تخت لولاک چو گویی در خم چوگانش افلاک (ب۱۴۶)

داستان حضرت موسی (ع) و آتش طور:
که گفتی بود از ســـــر تا به پا نور از روشن چراغ آتش طور (ب۱۰۵)

داستان حضرت ابراهیم (ع) و بت شکنی وی
ور آذر از خلیل الله خراشت چرا این بت شکن آن بت تراش است (ب۹۵)

داستان حضرت یوسف (ع) و به زندان افتادن وی:
در آن چاه زنخدان بی تکلف به زندان داشت بسیاری چو یوسف (ب۸۴۳)

هاروت
فرستی غمزه را گر سوی بابل برد از جادویی هاروت را دل (ب۱۵۹۴)

تلمیحات تاریخی مانند اشاره به داستان شیرین و فرهاد:
چو شیرین را نباشد یاد فرهاد به نیکی کی کند او را کسی یاد (ب۱۶۹۴)

داستان مجنون و لیلی:
ز قانون وفاداریست بیرون که لیلی بیخبر باشد ز مجنون (ب۱۶۹۳)

منصور حلاج:

میی در شیشه همچون آتش طور انا الحق گوی ازو مستان چو منصور (ب۱۹۵۳)

جوشقانی در این منظومه تلمیحات اسطوره‌ای هم بکار برده است؛ برای اینکه «اسطوره‌ها و افسانه‌ها با ظرفیت شاعرانه و سمبلیک و تأویل‌پذیری که دارند، میتوانند در هر دوره‌ای بر حسب شرایط و اوضاع خاص اجتماعی بار معنایی جدید را بپذیرند و از طریق تأویلی جدید، سمبل بعضی افکار و حوادث نو در زمینه رخدادهای سیاسی و اجتماعی جامعه قرار گیرند» (سفر در مه، پورنامداریان: ص ۲۴۵) که جوشقانی اغلب شخصیت‌های اسطوره‌ای شاهنامه‌ای مانند نودر، توس، رستم، سام، گودرز، گیو، آرش و بیژن را بکار برده است. (منظومه وامق و عذرا، جوشقانی: ص ۲۱۵).

گر او توری‌نژاد از جدّ و بابست مرا هم نسبت از افراسیابست (ب۲۵۵۰)
اگر روئین‌تنی باشد چو رستم چو برگردید از زالی بود کم (ب۲۶۰۶)

میی در روشنی چون نور خورشید وزو روشن چراغ جام جشمشید (ب۳۱۱۶)

تضاد و پارادوکس: تضاد و پارادوکس دو آرایه‌ای هستند که در موسیقی معنوی شعر تأثیر بسزایی دارند. تضاد از آرایه‌های پرکاربرد این منظومه است. «فراز و نشیب» (ب۹۵)، «خشک و تر» (ب۱۰۶)، «دور و نزدیک» و «روشن و تاریک» (ب۱۰۷)، «کهنه و نو» (ب۱۱۱)، «شب و روز» (ب۲۰۴)، «کوه و کاه» (ب۲۱۶)، «درد و درمان» (ب۲۲۵۸)، «گرم و سرد» (ب۲۷۶۴). پارادوکسها تصاویری هستند که دو طرف آنها بلحاظ منطقی یکدیگر را نفی میکنند.

لحافی غنچه‌سان در سر کشیده دلش بیدار و چشمش آرمیده (ب۱۸۰)

اغراق: اغراق از عناصر نیرومند خیال بشمار می‌آید که جوشقانی از این آرایه در تصویرآفرینی بهره برده است. او با ترکیب کردن اغراق با تشبیه و استعاره، ابیاتش را هنریتر و جذابتر نموده است که نمونه‌های از منظومه وامق و عذرا ذکر میشود:

بیاض فرق کز مویش عیان بود شب تاریک و راه کهکشانشان بود (ب۸۲۸)
غلط گفتم که ماری بود سیمین روان گشته میان سنبل چین (ب۸۲۹)
دو شب بودست گویی در زمانه ز صبح افکنده فرقی در میانه (ب۸۳۰)

البته اغراق در بخشهای حماسی این منظومه و در جنگها بیشتر بکار رفته است:

چنان بالا گرفت آن آتش کین که بیم از سوختن میکرد پروین (ب۲۵۸۶)
تتق بست ابری از گرد سواران که برقش تیغ بود و گرز باران (ب۲۵۸۸)
روان شد از دو جانب سیلی از خون گذشت آن سیل از سیحون و جیحون (ب۲۵۹۶)

در نمونه زیر اغراق بسیار زیبای جوشقانی در توصیف فراوانی کشتگان در جنگ وامق با قراخان دیده میشود:

ز شمشیر یلان در دشت ناورد
به بام آسمان از بهر جانها

ز بس افتاده در بالای هم مرد (ب۳۰۰۸)
پدید آمد ز هر سو نردبانها (ب۳۰۰۹)

بررسی سطح فکری منظومه

وامق و عذرا منظومه‌ای است غنایی، لذا محور اصلی آن عشق و غنا است که شاعر این منظومه را «محبت‌نامه» نامیده است:

محبّت‌نامه‌ای را ساز دادم
به خون بی‌غمی خط باز دادم (ب۶۲۵)

و در حین پرداختن به روایت عاشقانه، نکات اخلاقی و تعلیمی و اعتقادات خود را نیز بازگو کرده است.

آموزه‌های تعلیمی و اخلاقی

مهمترین نکات تعلیمی این منظومه عبارتند از:

-دعوت به شادباشی و می‌خواری: در سراسر این منظومه دعوت به شادی و شادکامی و شادخواری دیده میشود.

نوپرداز این ساز خوش‌آهنگ
که در خلخ چو چندی شاهزاده
دعا کردش که ای نازان نوبخت
همیشه کامران و شادمان باش
چو ایام بهارست و جوانی
تو ای شه با مه من کامران باش

به قانون سخن زینسان زند چنگ (ب۱۳۸۳)
نبودی یک زمان بی جام و باده (ب۱۳۸۴)
که مینازد به تو هم تاج و هم تخت (ب۲۰۰۳)
ز اندوه زمانه بر کران باش (ب۲۰۰۴)
ازین بهتر نباشد کامرانی (ب۲۲۰۱)
ز غمهای زمانه بر کران باش (ب۲۲۰۲)

البته شاعر معتقد است در می‌نوشی باید حد اعتدال را نگه داشت:

به می خوردن نسازی آنقدر میل
اگر نوشی شراب از دست جبریل

که در بنیاد هوشت افکند سیل (ب۵۴۳)
کشی بر چهره ناموس خود نیل (ب۵۴۵)

تواضع و فروتنی

چو من خاکی‌نهادی را چه یارا
ولی هر هوشمندی میپسندید
فزون میکرد از آن رو پایه من

که گرد همنشینش آشکارا (ب۵۱۵)
که باشد ذره هم‌زانوی خورشید (ب۵۱۶)
که من خورشیدم و تو سایه من (ب۵۱۷)

-تواضع با زیردستان و فرودستان و بخشش نمودن

مکن با زیردستان زورمندی
اگر خواهی کلاه سرفرازی
دوم از بهر بخشیدن بیندوز

تواضع پیشه کن در سربلندی (ب۵۶۰)
کمر در بند در عاجزنوازی (ب۵۶۲)
ز ابر نوبهاری بخشش آموز (ب۵۶۳)

-گشاده‌رویی با مهمان

به مهمان باش دایم روگشاده
ز منت بست‌ه‌لب ابروگشاده (ب ۵۶۸)

به احسان آدمی را بنده سازند
به بخشش خصم را شرمنده سازند (ب ۵۶۹)

-پرهیز از دوستی با انسانهای دونمایه

مکن با مردم پست آشنایی
که هرگز ناید از بومان همایی (ب ۵۶۵)

مکن پیوند با ناجنس محکم
نیاید با خزف گوهر فراهم (ب ۵۶۶)

-دوری از حرص و طمع

ز جمع مال دایم بر کران باش
ز حرص و آز بگذر شادمان باش (ب ۵۷۲)

-پرهیز از اسراف

فزون از دخل در بخشش مزین لاف
که مذموم است همچون بخل اسراف (ب ۵۷۳)

-مدارا با پیران

جووانی عزت پیران نگه دار
که در پیریت افتد کار بسیار (ب ۵۷۵)

جووانی کش ز پیران عار باشد
به پیری گر رسد دشوار باشد (ب ۵۷۶)

-اهمیت کسب دانش و هنر

جوشقانی در قالب نصیحت به فرزند بر کسب علم و دانش و پاکدامنی و پاک‌چشمی تأکید میکند:
تو هم تا میتوانی در هنر کوش
که مرد بی‌هنر نبود خطرکوش (ب ۵۳۲)

هنرکوش و هنرسنج و هنرفن
که باشد پاک‌چشم و پاکدامن (ب ۵۳۴)

مدح: جوشقانی در ابتدای منظومه وامق و عذرا پس از مناجات با خداوند، به مدح رسول اکرم (ص) می‌پردازد و او را پادشاه تخت لولاک معرفی میکند: «محمد پادشاه تخت لولاک» (ب ۱۴۶) که از دین او عرب به ارجمندی رسید: «ز دین او عرب را ارجمندی» (ب ۱۶۰).

در این منظومه مدح حضرت مهدی (عج) پس از مدح پیامبر و قبل از مدح امیرالمؤمنین قرار گرفته است. شاعر در این ابیات آن حضرت را راحت جانها و قوت روانها معرفی میکند و در آرزوی ظهور ایشان است:
زهی نام تو راحتبخش جانها
حدیث قوت و قوت روانها (ب ۲۶۲)

رسیده جان به لب از اشتیاق
برون فرما که مردیم از فراق (ب ۲۶۳)

پس از آن امام علی (ع) را مدح میکند. «غبار شرک شست از روی دنیا» (ب ۲۹۴)، «حصار دین احمد ذوالفقارش» (ب ۲۹۷).

در پایان مدایح به سراغ ممدوح خود، شاه عباس صفوی می‌رود و او را به فریدون و کیخسرو مانند میکند:

فریدون مسند و کیخسرو افسر عدالت‌گستر و درویش‌پرور (ب ۳۳۵)

وصف عشق: از نظر جوشقانی عشق نخستین جلوه حسن است که از ازل تجلی پیدا کرد:

نخستین جلوه کز حسن ازل خاست	بساط عشق از آن یک جلوه آراست (ب ۶۹۸)
به هر سرچشمه کانجا حسن رخ شست	گیای عشق گویی از زمین رُست (ب ۶۹۹)
اساس عشق بس عالی‌اساس است	چو بیت‌الله زان مشکین لباس است (ب ۷۱۹)

مضامین مذهبی: نعت خدا و مناجات، مدح رسول (ص)، حضرت مهدی (عج)، و امام علی (ع) در ابتدای این منظومه قرار گرفته و شاعر نزدیک به ۴۰۰ بیت را به این مضامین دینی اختصاص داده است که در بخش بعد (ساختار منظومه) بطور مفصل به همراه نمونه ابیات بیان میشود.

ساختار منظومه وامق و عذرا

بیشتر منظومه‌ها از نظر فصل‌بندی ساختار مشابهی دارند. ذوالفقاری این موارد را چنین برمی‌شمارد: (۱) حمد و ستایش خداوند دارد؛ (۲) نعت پیامبر و معراج‌نامه؛ (۳) مدح امامان یا خلفا؛ (۴) سبب تألیف منظومه؛ (۵) ستایش سخن، نصیحت، عذرانگیزی در نظم کتاب؛ (۶) متن داستان؛ (۷) انجام کتاب (یکصد منظومه عاشقانه ادب فارسی، ذوالفقاری: صص ۳۷-۳۵). منظومه وامق و عذرای جوشقانی نیز همچون بسیاری از منظومه‌های غنایی دیگر از ساختار زیر تشکیل شده است:

حمد و ستایش خداوند: منظومه با مناجات و رازونیا با خداوند باریتعالی آغاز میشود. جوشقانی حدود ۱۴۵ بیت در این زمینه می‌سراید که از آن جمله است:

الهی مخزن اسرار بگشای	فروغ مطلع انوار بنمای (ب ۱)
چو گردد بحر فکرم گوهرانداز	نقاب از چهره معنی برانداز (ب ۴)

نعت پیامبر و معراج‌نامه: جوشقانی در این منظومه طی ۲۲ بیت به نعت و منقبت پیامبر (ص) می‌پردازد (ر.ک: منظومه وامق و عذرا، جوشقانی: ب ۱۴۶-۱۶۸).

محمد پادشاه تخت لولاک	چو گویی در خم چوگانش افلاک (ب ۱۴۶)
از روشن چراغ چشم بینش	طفیل هستی او آفرینش (ب ۱۴۷)

معراجیه از دیگر ویژگی‌های ساختاری این منظومه است که شاعر در حدود ۹۲ بیت از بیت ۱۶۹ تا بیت ۲۶۱ به وصف معراج پیامبر (ص) پرداخته است.

تعالی الله شبی چون روز روشن	ازو عالم چو در نوروز گلشن (ب ۱۶۹)
در آن شب آن سریر آرای معراج	که شد نعلین او معراج را تاج (ب ۱۷۷)
چو آهنگ فلک کرد آن ملک‌خوی	زمین را گرد محنت بیخت بر روی (ب ۲۰۲)

مدح امامان: معمولاً در منظومه‌های روایی بویژه در مثنویها «سنت بر آن است که منظومه با نام و حمد خدا، نعت پیامبر، معراج، مدح خلفا و مدح پادشاه زمان شروع میشود و اگر سراینده شیعه باشد، پس از حمد خدا و نعت

پیامبر، منقبت حضرت علی و غالباً مدح ائمه (ع) را می‌آورد. کمتر پیش می‌آید که شاعری ساختارشکنی کند» (تحلیل ساختاری و محتوایی مثنویهای روایی شیعی در عصر قاجار، نظری و سیف: س ۸۵). امام زمان (عج) از شخصیت‌های شاخص دینی در ادبیات عصر صفوی است که شاعران شیعه در آثار خود بعد از ستودن امامان (ع)، به مدح آن حضرت می‌پردازند. این شیوه در مثنوی جوشقانی نیز دیده می‌شود. جوشقانی بعنوان یک شاعر شیعی بعد از نعت رسول به مدح ائمه (ع) می‌پردازد و ابیاتی را در مدح امام مهدی (عج) و امام علی (ع) می‌سراید. با این تفاوت که او ابتدا امام دوازدهم را می‌ستاید و خواستار ظهور آن حضرت است. سپس به مدح امام اول می‌پردازد و این نشان‌دهنده ارادت جوشقانی به آن امام غائب است. ابیات مربوط به مدح امام زمان حدود ۲۶ بیت از شماره ۲۶۶ آغاز و تا بیت ۲۸۸ ادامه می‌یابد:

برافکن برقع از روی چو خورشید	که یابد روشنایی چشم امید (ب ۲۸۴)
بگو دجال جل بر گاو بندد	دگر بر ریش خود آن خر نخندد (ب ۲۸۵)
وگر نبود سر این گیرودارت	عنایت کن به مهدی ذوالفقارت (ب ۲۸۶)

پس از آن در ۴۰ بیت به مدح امیرالمؤمنین می‌پردازد؛ یعنی از بیت ۲۸۹ تا ۳۲۹ و در آن پس از مرگش علی (ع) و آتش را شفیع خود قرار می‌دهد:

علی کز آب تیغ کفر فرسا	غبار شرک شست از روی دنیا (ب ۲۹۰)
حصار دین احمد ذوالفقارش	ندارد جز خدا مقدار کارش (ب ۲۹۱)
چو برخیزم ز خاک تیره فردا	تو را جویم تو را گویم همه جا (ب ۲۲۸)

مدح ممدوح

پس از مدح ائمه جوشقانی به مدح پادشاه عهد خود یعنی شاه عباس صفوی می‌پردازد و آن شاه را در حدود ۱۱۱ بیت مدح می‌کند:

شهنشاه جهان عباس غازی	که شد تیغش حصار دین تازی (ب ۳۳۶)
جهانبخش و جهاندار و جهانگیر	که آمد در جوانی پیر تدبیر (ب ۳۳۷)

ستایش سخن، نصیحت، و عذرانگیزی در نظم کتاب: معمولاً در منظومه‌های غنایی موعظه فرزند در بخش انتهایی ذکر می‌شود، ولی در منظومه جوشقانی پس از مدح ممدوح به نصیحت فرزندش نعیم‌الدین محمد می‌پردازد و از او می‌خواهد که در همه حال با خداوند و مرید رسول (ص) باشد و به کسب هنر و دانش بپردازد که این بخش ۱۳۹ بیت از منظومه را به خود اختصاص داده است. اندر زهای شعیب جوشقانی به پسرش یادآور نصایح عنصرالمعالی به فرزندش گیلان‌شاه است.

نخستین پندم این ای دیده را نور	مباش اندر همه حال از خدا دور (ب ۴۵۱)
به هر حالی که باشی با خدا باش	مرید امر و نهی مصطفی باش (ب ۴۵۲)

سبب تألیف منظومه: جوشقانی بعد از نصیحت فرزند، از علت سرودن داستان وامق و عذرا یاد می‌کند و سبب نظم آن را هاروت فنی و جادوی سخن خود معرفی می‌کند تا از طریق شیوایی و شیرین سخنی که در کلام وی وجود

دارد، محبت‌نامه‌ای بسرایم، عاشقان راه عشق از خواندن قصه فرهاد و لیلی و مجنون بی‌نیاز شوند و محبت‌نامه و عشق‌نامه او را بخوانند.

محبت‌نامه‌ای را ساز دادم	به خون بی‌غمی خط باز دادم (ب ۶۲۵)
کسی را خارخار عشق در دل	بود روید گل امیدش از گل (ب ۶۲۶)
محبت‌نامه من یاد گیرد	به ترک قصه فرهاد گیرد (ب ۶۲۷)

متن داستان: طبق فصل‌بندی ساختاری منظومه‌های غنایی در این بخش سراینده باید به سراغ متن و تنه داستان برود، ولی شعیب در ذیل عنوان در یوزه همت نمودن از بواطن قدسی، طی ۱۷ بیت با یادآوری استادان پیشرو در این کار مانند نظامی، جامی، امیرخسرو، خواجوی کرمانی و هاتفی خرجردی از خداوند توفیق و از استادان پیشین یاری و مدد میجوید:

اگرچه پیشتر از من بزرگان	به معنی اوستادان و سترگان (ب ۶۵۳)
به نوعی کرده‌اند این راه را طی	که دشوار است کس را رفتن از پی (ب ۶۵۴)
مدد خواهم از استادان این کار	که بر من گردد آسان کار دشوار (ب ۶۶۹)

سپس وارد تنه داستان میشود. در ابتدای داستان از اصل و ریشه داستان‌سرایی وامق و عذرا در ۲۱ بیت (۶۷۱-۶۹۷) سخن میگوید:

حدیث وامق و عذراست مشهور بود در هر زبان این قصه مذکور (ب ۶۷۱)

عشق را وصف میکند (ابیات ۶۹۸-۷۳۱) و حکایت مجنون و چشم بستن او از دیدن لیلی (۷۳۱-۷۵۱) و حکایت سؤال کردن مرد بیخبر از محبت از فرهاد در باب صورت شیرین (۷۵۲-۷۷۱) را بیان میکند. شعیب جوشقانی اصل داستان را با عنوان «در گشودن بوستان این داستان رنگین» آغاز میکند. تنه داستان که اصل حوادث این داستان در آن رخ میدهد تا انجام و خاتمه حدود ۲۶۲۴ بیت (۷۷۲-۳۳۳۹) را دربر میگیرد:

خبرگوی حدیث باستانی چنین آرد قلم در زندخوانی (ب ۷۷۲)

و دارای ۴۸ سرنامه یا عنوان است زیبا و تأثیرگذار است که همگی از آفت‌وخیزهای عاشقانه و شور عشق و جنون پرده برمیدارد.

انجام کتاب: جوشقانی در ۵۵ بیت (۳۳۴۰-۳۳۹۵) با عنوان «زیور اختتام یافتن» منظومه را به پایان میرساند و خواجه شعیب در ابیات پایانی از باریک‌بینان می‌خواهد اگر عیبی در کارش دیدند، عیبها را بپوشانند و از روی انصاف به داوری بپردازند و از خداوند می‌خواهد این اثر را از آسیب روزگاران مصون بدارد:

پی این نورسیده نام لایق	نمودم وامق و عذرا موافق (ب ۳۳۸۷)
خداوندا ز آسیبش نگهدار	کزان در چشم بدبینان خلد خار (ب ۳۳۸۸)

نتیجه‌گیری

در این پژوهش سبک و ساختار در منظومه‌غنائی «وامق و عذرا»ی جوشقانی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. در سطح آوایی این منظومه در بحر هزج مسدس مقصور سروده شده است. شاعر با استفاده از انواع هجاهای قافیه، تنوع ساختمان قافیه، ذوقافیتین و قافیۀ بدیعی (تجنیس و تسجیع)، انواع ردیفهای فعلی، غیرفعلی و گروهی و کاربرد انواع مختلف جناس، تکرار، تصدیر، ترصیع و موازنه، موسیقی کناری و درونی شعر و با بکار گرفتن الف اشباع، تخفیف، و تسکین سطح آوایی را افزایش داده است.

در سطح لغوی کاربرد واژه‌های زبانهای دیگر نظیر زبان عربی و ترکی، لغات و اصطلاحات عامیانه، لغات و ترکیبات نجومی، موسیقی و طبی، لغات کهن، کاربرد فراوان انواع ترکیبات بویژه آفرینش ترکیبات نو، بیانگر آگاهی جوشقانی از زبان عربی و دانشهای مختلف روزگارش است.

در سطح نحوی کاربرد انواع «را» بویژه فک اضافه، حذف فعل، ساخت کهن فعل دعایی، نوآوری در فعل، افعال کهن، همچنین بکار بردن «تو گفتمی» و «تو گویی» در معنای شباهت و کاربرد فراوان برخی واژه‌های خاص در ابتدای مصرعها و... از شاخصه‌های نحوی کلام جوشقانی است. در سطح ادبی شعیب با بکار بردن انواع تشبیه، استعاره، اغراق، تلمیح و کنایه در خیال‌آفرینی و انتقال احساسات به مخاطب موفق بوده و کلامش را جذاب و تأثیرگذار کرده است. در اغلب موارد تشبیهاتش حسی به حسی، و ساده و زیباست، باوجوداین شاعر به تشبیه بلیغ تمایل بیشتری نشان داده است. شعیب متناسب با حال و هوا و فضای داستان اغراق را برای توصیف جنگ و مضامین حماسی بکار برده است تا به کلامش استحکام بخشد. تلمیحات نیز در این منظومه قابل توجه است و شاعر از انواع تلمیحات قرآنی، مذهبی، تاریخی و اسطوره‌ای فراوان بهره جسته است، اما کنایات بکارگرفته‌شده، ساده و تکراری است.

در سطح فکری علاوه بر عشق و مضامین عاشقانه، آموزه‌های اخلاقی و تعلیمی، دعوت به شادباشی، تواضع و بخشش نمودن نسبت به زیردستان، گشاده‌رویی در برابر مهمان، مدارا با پیران، توجه به دانش‌اندوزی و هنرورزی، مدح، مضامین مذهبی و حماسی از ویژگیهای فکری جوشقانی در این منظومه است. اگرچه ساختار منظومه از سه سطح مقدمه، تنه و انجام، تشکیل شده و با مضامینی چون حمد و ستایش خداوند، نعت پیامبر و معراج‌نامه، مدح امامان، مدح شاه عباس، ستایش سخن و متن داستان و... انجام کتاب، پایان میپذیرد، فصل‌بندی این منظومه با ساختار منظومه‌های غنائی مطابقت دارد و از منظومه‌سرایان پیشین نظیر عنصری و نظامی الگوبرداری کرده است. با وجود اینکه شاعر در مقولۀ صحنه‌آرایی و یا زبان‌آوری و همچنین پدید آوردن کلمات و ترکیبات تازه از شاعران پیشین پیروی کرده، به غنای زبان و ادبیات فارسی نیز افزوده و توانمندی خود را به رخ کشیده است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر استخراج شده است. سرکار خانم دکتر ناهید اکبری راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار شهربانو بابایی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر رضا فرصتی جویباری نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر و هیئت داوران رساله که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Azimabadi, Hossein Gholi Khan. (۱۹۸۱). *Neshtar-e Eshgh*, Doshanbe: Danesh, p.۲۶۰.
- Ghojizadeh, Alireza et al. (۲۰۱۸). *Masnavi Vamegh and Azra Asiri and its poetic style*, *Quarterly Journal of Persian Poetry and Poetry (Bahar Adab)*, ۱۱ (۳), Serial Issue (۴۱), pp. ۲۲۵-۲۴۵.
- Hashemi Sandilvi, Ahmad Ali. (۱۹۷۰). *Tazkereh Makhzan al-Gharaib*, Karachi: Persian Research Center of Iran and Pakistan, p.۹۷۱.
- Joshaghani, Sho'aib. (۲۰۱۰). *Vameq and Azra*, Edited by Hassan Zolfaghari, Tehran: Cheshmeh.
- Kazzazi, Mir Jalaluddin. (۱۹۹۴). *Aesthetics of Persian speech (Badie)*, Tehran: Markaz, p.۶۹.
- Mohseni, Ahmad. (۲۰۰۳). *Row and music of poetry*, Mashhad: Ferdowsi University, p. ۱۲, ۱۳۹.
- Nazari, Zahra and Seif, Abdolreza. (۲۰۱۸). *Structural and Content Analysis of Shiite Narrative Masnavi in the Qajar Era*, *Quarterly Journal of Persian Poetry and Poetry (Bahar Adab)*, ۱۲(۴), Serial Issue (۴۶), pp. ۸۱-۹۸.
- Pournamdarian, Taghi. (۱۹۹۵). *Journey in May*, Tehran: Zemestan, p.۲۴۵.
- Radviani, Mohammad. (۱۹۴۹). *Tarjoman-al Balaghe*, by Ahmad Atash, Istanbul, pp.۲۷-۳۰.
- Rashid Vatavat, Mohammad. (۱۹۲۹). *Hadayeq al-Sehr in the Minutes of Poetry*, by Abbas Iqbal Ashtiani, Tehran: Tahoori, pp. ۱۸-۲۲.

- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (۲۰۰۷). *Imagination in Persian Poetry*, Tehran: Agah, p. ۴۴.
- Shamisa, Sirus. (۲۰۰۷). *Introduction to Prose and Rhyme*, Tehran: Mitra, p. ۴.
- Turkmen Monshi, Iskanderbeyk. (۱۹۷۱). *Alamara-e Abbasi*, Tehran: AmirKabir, p. ۸۳۷.
- Zarrinkoob, Abdolhossein. (۱۹۹۳). *Poetry without lies, poetry without masks*, Tehran: Elmi, p. ۵۷.
- Zolfaghari, Hassan. (۲۰۰۹). *Comparison of seven narrations of Vameq and Azra*, *Quarterly Journal of Persian Literature (Literature and Language)*, University of Kerman, No. ۲۶ (۲۳ consecutive), pp. ۱۳۵-۱۶۴.
- Zolfaghari, Hassan. (۲۰۱۳). *One Hundred Poems of Persian Literature*, Tehran: Charkh, pp. ۳۵-۳۷.

فهرست منابع فارسی

- آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، سیروس (۱۳۸۶) تهران: میترا.
- تحلیل ساختاری و محتوایی مثنویهای روایی شیعی در عصر قاجار، نظری، زهرا و سیف، عبدالرضا (۱۳۹۷) فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، (۴) ۱۲، شماره پیاپی (۴۶)، صص ۸۱-۹۸.
- تذکره مخزن الغرایب، هاشمی سندیلوی، احمدعلی (۱۹۷۰) کراچی: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- ترجمان‌البلاغه، رادویانی، محمد (۱۹۴۹م) به کوشش احمد آتش، استانبول.
- حدایق السحر فی دقایق الشعر، رشید وطواط، محمد، (۱۳۰۸) به کوشش عباس اقبال آشتیانی، تهران: طهوری.
- ردیف و موسیقی شعر، محسنی، احمد (۱۳۸۲) مشهد: دانشگاه فردوسی.
- زیبایی‌شناسی سخن پارسی (بدیع)، کزازی، میر جلال‌الدین (۱۳۷۳) تهران: نشر مرکز.
- سفر در مه، پورنامداریان، تقی (۱۳۷۴) تهران: زمستان.
- شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب، زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۲) تهران: علمی.
- صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۶) تهران: آگاه.
- عالم‌آرای عباسی، منشی ترکمان، اسکندربیک (۱۳۵۰) تهران: امیرکبیر.
- مثنوی وامق و عذرای اسیری و سبک شعری آن، قوجهزاده، علیرضا و همکاران (۱۳۹۷) فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، (۳) ۱۱، شماره پیاپی (۴۱)، صص ۲۲۵-۲۴۵.
- مقایسه هفت روایت وامق و عذرا، ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۸) فصلنامه نثرپژوهی ادب فارسی (ادب و زبان) دانشگاه کرمان، شماره ۲۶ (پیاپی ۲۳)، صص ۱۳۵-۱۶۴.
- نشر عشق، عظیم‌آبادی، حسین قلی‌خان (۱۹۸۱) دوشنبه: دانش.

وامق و عذرا، جوشقانی، شعیب (۱۳۸۹) تصحیح حسن ذوالفقاری، تهران: چشمه.

یکصد منظومه عاشقانه ادب فارسی، ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۲) تهران: چرخ.

معرفی نویسندگان

شهربانو بابایی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران.

(Email: sh.babae@qaemiau.ac.ir)

ناهید اکبری: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران.

(Email: nahidakbari7@yahoo.com : نویسنده مسئول)

رضا فرصتی جویبار: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران.

(Email: r.forsati@Qaemiau.ac.ir)

COPYRIGHTS

© ۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Shahrbanou Babaei: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran.

(Email: sh.babae@qaemiau.ac.ir)

Nahid Akbari: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran.

(Email: nahidakbari7@yahoo.com : Responsible author)

Reza Forsati Joibar: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran.

(Email: r.forsati@Qaemiau.ac.ir)